

«مادر»

✓ هردی اومد خدمت پیامبر اکرم (ص) و پرسید: چه کسی محبت کنم؟ حضرت

فرمودند: «اُمُّک» به مادرت، دوباره پرسید بعدش «مَنْ اُمُّک»

به چه کسی محبت کنم، حضرت فرمودند: «اُمُّک»، بار سوم پرسید همین

جواب رو شنید، بار چهارم که پرسید پیامبر فرمودند «اُمُّک».

مادر: قبل از تولد، در فکر و اضطراب که چه اسمی باشه، خوب باشه، کامل باشه...

که هنگام بارداری، ویار بگیره، بدش چم صبر کنه، گاهی ۲ الی ۳

ماه فقط به بهلو باید بخوابه، دزنه سنگین جنین و حُفّت رو باید تحمل کنه...

که زایمان، استراحت، کلی درد، باز شدن هفت لایه شکم، گاه خونریزی

طبیعی، اصرار دارم اگر در آن لحظه بیدار شده است شهیداً.

که در دوران شیردهی، شب بیداری، بچه، بیدار بودم مادر، از سینه وجود دادن

که در دوران جوانی، بیشتر عصب منخوره، دلسوزده، بیگیره، ...

تسبیح ارضاری نسبت خودش را مریون مادرش می دونه.

در اسواالت بزگان، شهدا احترام، مادر، صوغ می زنه.

بعضی شهدا میفهمند که سکوی پر تاب به آسمان، کف پاها مادریه.

لبه گاهر خانواده شهدا تعریف میکنند که مانندیم فرزندانمون حلوتر از ما
وارد آقا قبر شهید.

✓ امروز دفتر سپهر ازدواج ^{کوشش} می بینی عروس و داماد که مدتی زن و شوهر

شدند حلوه، تسنخ، والدین رو عقب قرار می دهند در ماسن!

اینجاست که برکت ها از بین میره ...

یا به پای غم من سیر شده و حرف تزد / داغ دیدار من و بقیه شد و حرف تزد

عقد مخفورد که من حال خرابی دارم / از همین عقد من سیر شد و حرف تزد

وای از آن لحظه که حرفم دل او را سوزاند / خیس شد چشمش و تبخیر شد و حرف تزد